

کارکرد داستان رضوی ماه غریب من در آموزش ارزش های اخلاقی و مهارت های اجتماعی نوجوانان

فرحناز حیدری نسب^۱، خلیل بیگ زاده^۲

چکیده

افزایش مهارت های اخلاقی و اجتماعی نوجوان و فراهم کردن بستر لازم برای حل مسئله در برخورد با زندگی فردی و اجتماعی، از اهداف تعلیم و تربیت است. چگونگی امر و نهی مهم است و فرایند آموزش ارزش های اخلاقی و اجتماعی به نوجوانان به دلیل غلبه دوره بلوغ و آغاز استقلال دوره نوجوانی، دشواری هایی دارد که در بستر قصه های آموزنده بر پایه ویژگی های روحی و روانی نوجوان آسان می گردد. قصه های رضوی گروه نوجوان که بر پایه آداب سلوک، منش اخلاقی و سیمای امام رضا^ع و نیز پژوهاک فرهنگ رضوی نوشته شده اند، می توانند مهارت های اخلاقی اجتماعی را که نوجوان در زندگی به آن احتیاج دارد، به صورت غیر محسوس به وی آموزش دهند. پژوهش پیش روی با هدف تبیین کارکرد مجموعه داستان رضوی ماه غریب من در آموزش ارزش های اخلاقی و مهارت های زندگی به نوجوانان با رویکردی توصیفی تحلیلی انجام شده و پاسخی به چند و چون کارکرد این داستان در این قبیل آموزش هاست. یافته های پژوهش نشان می دهد، رخدادهای داستانی مجموعه داستان ماه غریب من که برگرفته از سلوک و سیمای امام رضا^ع بوده، ایمان نوجوانان و نیز گرایش آنان را به سیره آن حضرت تقویت کرده است و به آن ها رفتار اخلاقی و اجتماعی صحیح را در برخورد با رخدادهای اجتماعی، فکرووری انتقادی، ارزش های همدلانه و احترام به دیگران، آموزش می دهد.

واژه های کلیدی: امام رضا^ع، ماه غریب من، ارزش های اخلاقی، مهارت های زندگی، تفکر انتقادی.

۱. فرحناز حیدری نسب، دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه. مدرس دانشگاه فرهنگیان شهید صدوقی کرمانشاه (نویسنده مسئول). fhaidarinasab@gmail.com

۲. خلیل بیگ زاده، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه. kbaygzade@yahoo.com

۱. مقدمه

کودک با توانایی‌های ذاتی رشدنیافته و بالقوه، قدم در هستی می‌نهد و این چیدمان چگونگی پرورش است که این توانایی را بالفعل می‌کند. نقش پررنگ جامعه در کشف این استعداد، روشن است؛ «زیرا همگام با افزایش سن کودک، جامعه بیش از پیش او را زیر نفوذ خود می‌گیرد و ارزش‌های فرهنگی و معیارهای مربوط به ایفای نقش در جامعه را به کودک منتقل می‌کند» (منصور، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

هر کودکی در نتیجه فرایند اجتماعی شدن، بسیاری از مهارت‌های اجتماعی را از همسالان، خانواده، دین و مذهب، رسانه و محیط اجتماعی کسب می‌کند و بهبودی فرایند ارتباطات جمعی به کمک مجموعه‌ای از دانش‌ها که مبلغ آن محیط و رسانه است، حاصل می‌شود. پس «اجتماعی شدن، فرایندی است که طی آن کودک ناتوان به تدریج به شخصی آگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد گردیده است، تبدیل می‌شود» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۶).

قصه دینی از مهم‌ترین رسانه‌های آموزش تجربه و مهارت است که توجه کودک و نوجوان را به خود جلب کرده، نگرش و عادت وی را بر پایه اصول مذهبی پایه‌گذاری و استحکام آن را تا آخر عمر تضمین می‌کند. برای درک اهمیت قصه در آموزش، کافی است به قرآن کریم توجه شود که پیام آسمانی آن، اغلب به صورت قصه و حکایت است. قصه‌های رضوی گروه نوجوان نیز که براساس منش و آداب امام رضا^(ع) نوشته شده است، نه تنها باعث استحکام اندیشه مذهبی و عشق به اهل بیت^(ع) می‌شود؛ بلکه به صورت کنترل اجتماعی غیررسمی، مهارت‌های عاطفی-اجتماعی را که نوجوان در زندگی به آن احتیاج دارد، به وی آموزش می‌دهد؛ زیرا «دو نوع کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی وجود دارد: قوانین به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، شکل رسمی کنترل اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی شامل روابط خانوادگی، دین و ... است» (بیرن و مزرشمیت، ۲۰۱۱، نقل از احمدی و معینی، ۱۳۹۳: ۱۰).

۱-۱. بیان مسئله

دوره نوجوانی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی است که استقلال، توانایی فرد برای مواجهه با جامعه و قابلیت مهارت‌آموزی نوجوان افزایش می‌یابد؛ اما عنصر استقلال‌یابی در نوجوان، باعث سرزدن رفتارهای مختلف از جمله سر باز زدن از اصول و بایدها و نبایدهای مستقیم می‌شود که در نتیجه آن، ارزش‌آموزی و درک یادگیری مهارت نوجوان کاهش می‌یابد؛ به همین دلیل، در این برهه از زندگی، برای تربیت اخلاقی و آموزش مهارت اجتماعی نوجوان، می‌توان از آموزش غیرمستقیم بهره‌گرفت و از طریق داستان‌خوانی دینی و مذهبی، قدرت درک مسائل پیش رو و پرورش اخلاقیات را در او افزایش داد. داشتن الگوی صحیح دینی و اخلاقی از نیازهای اصلی یک انسان از کودکی تا بزرگسالی است؛ چون بی‌اعتقادی به ارزش‌های دینی و رفتاری سبب می‌شود که کودک در بحران شناخت معیار درست از نادرست به بیراهه رود و در نهایت، به سرخوردگی و پوچی برسد. اخلاق و تربیت اخلاق‌مدار، کلید پیشگیری و درمان بحران‌های اجتماعی و بیماری‌های اخلاقی است و می‌توان گفت تنها وسیله‌ای است که می‌تواند افسار مفساد اجتماعی را به صورت درونی کنترل کند. سیر قصه متعهد از آغاز تا امروز، بیانگر این واقعیت است که شنیدنی‌ترین مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و دینی در ایام کودکی، در بافت و ساختار قصه، نهادینه شده است. با توجه به اهمیت این مطلب، داستان‌های جذاب حاوی منش امامان، می‌تواند ارزش‌ها و مهارت‌های اجتماعی را در جامعه دینی به کودکان و نوجوانان آموزش دهد. این‌گونه داستان‌ها علاوه بر اینکه به آسانی با کودکان رابطه صمیمانه برقرار می‌کنند، جنبه آموزش‌دهی آن‌ها نیز حفظ خواهد شد.

مضمون مجموعه قصه رضوی ماه غریب من که اخلاق و منش امام رضا^(ع) را به تصویر می‌کشد، از این قاعده مستثنی نیست. این مجموعه، دارای ۶۳ قصه کوتاه با

موضوعات مختلف از تولد تا شهادت امام رضا^(ع) است و نوجوان شنونده یا خواننده به کمک این قصه‌ها از طریق توسل به همانندسازی با شخصیت مثبت امام رضا^(ع) و یاران وی، مهارت‌ها و راهبردهای تفکر را در مواجهه با صحنه‌های مختلف اجتماعی، آموزش می‌بیند و همین اصول مذهبی و دینی، سد دفاعی را برای وی خلق می‌کند. پژوهش پیش رو، قابلیت و بسندگی قصه‌های رضوی به عنوان روشی مفید برای پیشگیری از بروز بعضی از مشکلات مربوط به زندگی اجتماعی، اصلاح نگرش اخلاقی در رفتار نوجوانان و میزان آموزش مهارت‌های زندگی را نشان می‌دهد. همچنین، گامی پیش روی نویسندگان داستان‌های دینی و مذهبی است تا در نوع قصه‌های حاوی اخلاق و منش امامان و پیشوایان دینی، با انتخاب آگاهانه گام بردارند و از طریق آن، آموزه‌های دینی و مهارت‌های زندگی درست را به کودکان و نوجوانان یاد دهند.

۲-۱. پیشینه پژوهش

براساس جست‌وجوی صورت‌گرفته، مقاله‌ای با این موضوع نگاشته نشده است. در مورد داستان ماه غریب من، تنها داودی مقدم و ملک زاده (۱۳۹۲) در «نقد روایت‌شناسانه داستان نوجوان درباره امام رضا^(ع) با تأکید بر ماه غریب من و میهمان طوس»، این دو داستان را براساس نظریه‌ی ریمون کنان و نیکولایوا بررسی و به بسندگی زبان و پیرنگ هر دو اثر اشاره کرده‌اند.

۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

عصر ارتباطات بیانگر این واقعیت اجتماعی است که شرایط برای آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی بسیاری از نوجوانان، به دلیل نداشتن سبک نگرش اخلاقی مطلوب، مهیا است. با توجه به این چالش، قصه‌های مذهبی و رضوی به صورت الگوی رفتاری نامحسوس، می‌تواند زمینه مطلوب اصلاح نگرش اخلاقی را فراهم کرده

و به کمک عملکرد شخصیت‌های داستان و ارائه الگوی صالح امام رضا^(ع)، نوجوانان خلاق و شایسته تربیت کند. این مقاله، نقش قصه‌های رضوی بر آموزش ارزش‌های اخلاقی و غنای مهارت‌های زندگی اجتماعی نوجوان را با تکیه بر مجموعه داستان ماه غریب من، اثر مجید ملامحمدی و با رویکرد توصیفی تحلیلی بررسی کرده است.

۲. بررسی موضوع

۲-۱. مبانی نظری

آنچه در موفقیت زندگی امروزه نقش اساسی دارد، مهارت‌ها و ارتباطات اجتماعی است. سازمان بهداشت جهانی، مهارت‌های زندگی را در توانایی رفتار مثبت و سازگاری‌هایی تعریف می‌کند که افراد را قادر می‌سازد تا به‌گونه‌ای مؤثر با چالش‌ها و درخواست‌های روزمره زندگی برخورد کنند؛ در واقع، مهارت‌های زندگی، به مهارت‌های شخصی و اجتماعی گفته می‌شود که کودکان و نوجوانان باید آن را یاد بگیرند تا بتوانند در مورد خود، انسان‌های دیگر و کل اجتماع، به‌طور شایسته و مؤثر و مطمئن رفتار نمایند (مک تاویش، ۲۰۰۰، نقل از نجفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). به دنبال آگاهی از نقش مهارت‌های اجتماعی، روان‌شناسان برنامه‌های آموزشی تهیه کرده‌اند که در آن‌ها به افراد می‌آموزند تا مهارت‌های خود را در تعاملات اجتماعی بهبود بخشند. بخشی از این مهارت‌ها، از این قرارند: مسئله‌گشایی، خودآرام‌سازی، حفظ کنترل درونی، رشد و تقویت توانایی‌ها، یادگیری نحوه مقابله با خودناتوان‌سازی، یادگیری نحوه مقابله مؤثر، تغییردادن موقعیت، انجام ارزیابی‌های اولیه درست، حفظ احساس کنترل، تفکر انطباقی، جرئت‌ورزی، مذاکره و گفت‌وگو، گذشت و بخشش و ... (کلینکه، ۱۳۸۳: ۱۵). با این هدف که نوجوان اصول و روش مقابله با مشکلات را بیاموزد و از آن برای ارتقای رشد شخصیت خود بهره‌گیرد، آموزش مهارت‌های زندگی

به شیوه مطلوب و پسندیده نوجوان الزامی است.

قصه می‌تواند نقش اساسی در آموزش مهارت‌های زندگی ایفا کند؛ چون همواره منعکس‌کننده دیدگاه انسان درباره جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او، وسیله انتقال و آموزش آداب و سنن، اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسل‌های دیگر بوده است. انسان به خاطر ویژگی‌های خاص روحی‌اش به قصه علاقه دارد و چه بسا، راه و رسم قهرمانان آن را الگوی خود قرار می‌دهد (دبلیو دیویی، ۱۳۶۶: ۵). وجود میل و نیروی کنجکاوی در کودکان برای کسب تجارت تازه به رهبری و تقویت نیروی اندیشه، آشناساختن غیرمستقیم کودک با دنیای خویش، رشد و گسترش رغبت‌های کودکان و راهنمایی اخلاقی کودکان، مواردی هستند که اهمیت به‌کارگیری ادبیات کودکان را در تعلیم و تربیت آنان بیان می‌کنند (شعاری نژاد، ۱۳۷۴: ۳۱-۳۰). کودکان و نوجوانان در قصه‌خوانی، به واسطه شخصیت مثبت و منفی قصه‌ها، با واکنش‌های تازه کاربردی حل مسئله آشنا می‌شوند و براساس پیام داستان، این واکنش‌ها را در ذهن خود برای مواجهه با موقعیت‌های مشابه این رفتارها، ثبت و تعدیل و نکات مثبت رفتاری را تقویت و نکات منفی رفتار شخصیت‌ها را به کمک داوری و دیگر امور اصلاحی، در ذهن خود ثبت و ضبط می‌کنند. در واقع، رفتار بسامان قهرمان داستان، یک مهارت درست ارتباط برقرار کردن را به طور غیرمستقیم به نوجوان آموزش می‌دهد؛ چون مهارت اجتماعی «شامل مهارت در تشخیص خصوصیات گروه، مهارت ارتباط‌گیری با گروه، مهارت گوش دادن، مهارت هم‌دردی، مهارت در ارتباط غیرکلامی، مهارت در تشخیص احساس‌های خویش و مهارت کنترل خویش است» (اکبری، ۱۳۹۴: ۴۸).

۲-۲. قصه درمانی

بازتاب درست نحوه برخورد و توانایی درک و پذیرش دیگران، یکی از اهداف قصه است. خواننده با خواندن داستان و نقد آن‌ها معیارهایی به دست می‌آورد که

می‌تواند تجربه‌های زندگی را با آن‌ها محک بزند و به آگاهی برسد (گلشیری، ۱۳۸۰: ۴۵). در خوانش داستان، کودک و نوجوان به خوداصلاحی می‌رسد؛ چون در داستان، شخصیت‌ها و دیدگاه‌های تازه به کودک عرضه می‌شود. کودک مفاهیم تازه‌ای را کشف می‌کند که با ساختارهای شناختی وی در تعارض است. او برای رفع این تضادها دست به اصلاح ساختارهای شناختی موجود خود می‌زند و به سازماندهی مجدد آن‌ها می‌پردازد (بتلهایم، ۱۳۸۱: ۳۲). در واقع، تربیت، فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گسترهٔ رمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطهٔ عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۴۱).

در مورد ایجاد تغییر تدریجی در گسترهٔ رمان، صاحبی می‌نویسد:

«قصه و تمثیل، چهار قلمرو وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند: (۱) قلمرو شناختی؛ توانایی قصه در انتقال دانش و کمک به فرایند حل مسئله؛ (۲) قلمرو عاطفی؛ قصه باعث پالایش عاطفی - هیجانی و استقرار امید می‌شود؛ (۳) قلمرو بین‌فردی؛ قصه باعث ایجاد و خلق پیوستگی و رابطهٔ انسانی اجتماعی افراد با یکدیگر می‌شود؛ (۴) قلمرو شخصی؛ قصه باعث بصیرت و بینش می‌شود؛ چراکه فرد خود و مسائل مبتلا به زندگی‌اش را در روایت دیگران ملاحظه و مشاهده می‌کند و بر این اساس، به درک بهتری از خود و مشکلش دست می‌یابد» (صاحبی، ۱۳۸۹: ۱۲).

پژوهش پیش رو، با توجه به قلمرو این تغییرات در انسان، تأثیر قصهٔ ماه غریب من را بر وجود نوجوان در دو عنوان کلی «تغییر در قلمرو ارزش‌های اخلاقی» و «انتقال مهارت‌های اجتماعی» نشان داده است.

۲-۳. تغییر در قلمرو ارزش‌های اخلاقی

براساس سخن اندیشمندان، وجود قصه در مهارت آموزش و انتقال ارزش‌های اخلاقی سودمند است؛ اما داستان، زمانی در پرورش تفکر مراقبتی و چگونگی ارتباط اجتماعی مؤثر است که محتوای آن‌ها در راستای پرورش اخلاقیات، حس مسئولیت‌پذیری، توجه به هنجارهای اجتماعی، تعامل اجتماعی و ارزش‌های دینی و... باشد و نهادینه شدن این ارزش‌ها در نهاد آدمی به گونه‌ای باشد که کودک و نوجوان را در موقعیت تنش‌زایی که ممکن است با آن روبه‌رو شود، به کمک الگوبرداری از شخصیت مثبت قصه هدایت کند. «در قصه‌درمانی، فرض بر این است که تغییر در زبان و ادبیات قصه‌های زندگی، خود به تغییر در معانی زندگی فرد منجر می‌شود و تغییر در قصه زندگی، فرصت‌های جدیدی برای رفتار و روابط با دیگران ایجاد می‌کند» (سوشیو، ۲۰۰۵، نقل از کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۳). قصه‌های دینی و مذهبی یکی از روش‌های غیرمستقیم آموزش اخلاقیات و راهنمای مذهبی کودکان و نوجوانان برای شناخت بیشتر الگوهای دینی و تقویت مذهب است. قصه‌های رضوی نیز به همین گونه، می‌توانند شخصیت امام رضا^(ع) را به عنوان امام به نوجوان معرفی کنند و زمینه الگوبرداری از رفتار امام را در مخاطب نوجوان مهیا سازند. ارزش‌های اخلاقی پژوهش‌پیش‌رو، با توجه به ساختار مجموعه قصه‌های ماه غریب من، بیشتر حول این دو مؤلفه توسل به امام رضا^(ع) و دستگیری از نیازمندان است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۲-۳-۱. اندیشه مذهبی و توسل به امامان

جهان‌بینی مذهبی در معنابخشی به زندگی، امید به زندگی و احساس امنیت خاطر، تأثیر بسزایی دارد. مذهب به زندگی انسان جهت می‌دهد، از او در مقابل فشارهای روانی محافظت کرده و سلامت روانی وی را فراهم می‌کند (محمدزاده رومیانی، ۱۳۸۶: ۲۰). چیدمان قصه «قبر هارون»، ایمان مذهبی مخاطب نوجوان را به امامان افزون

می‌کند و دستگیری و توسل به ایشان، یکی از اندیشه‌های راستین وی می‌شود؛ زیرا بسیاری از کارهای امام رضا^(ع) و خبر دادن ایشان از آینده، مبین ایمان به برگزیده شدن آن حضرت است: امام کنار قبر هارون با همان چوب، روی زمین قبری کشید. تعجب همه زیاد شد ... امام رو کرد به جمعیت و گفت: «قبر من همین جا قرار می‌گیرد!» ... امام ادامه داد:

«به زودی خداوند این مکان را محل رفت‌وآمد شیعیان و دوستانم می‌کند. سوگند به خدا، هیچ‌کس از آن‌ها مرا زیارت نکند و سلام بر من ندهد؛ مگر اینکه در سایه شفاعت ما خاندان رسالت، به آموزش و رحمت خدا برسد!» ... امام به نماز ایستاد. ... چند تن از مأموران که نزدیک‌تر بودند، شمرند که امام در سجده خود پانصد بار گفت: «سبحان الله!» (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۱۱۵-۱۱۴).

بیشترین حجم مهارت‌آموزی قصه ماه غریب من، در راستای تقویت ایمان مذهبی به امام رضا^(ع) است؛ فراوانی بهره‌گیری از آن، ۲۸/۸۴ درصد کل متن را فراگرفته است. قصه‌های آخرین دیدار: ۸۶، قافله در نیشابور: ۱۰۱، خواب شب پیش: ۱۰۷، قبر هارون: ۱۱۵، روز دوشنبه، قصه باران: ۱۴۰، حمله شیرها: ۱۴۲ و ۱۴۳، هوا بوی مرگ می‌داد: ۱۴۹، مدارس آیات: ۱۵۷، مهربانی: ۱۵۹، شیعیان مسافر: ۱۶۱ و ۱۶۴، جاسوس فضل: ۱۶۹، نماز عید: ۱۷۳، دوستی با شیعیان: ۱۷۶ و آخرین خداحافظی: ۱۹۲، سبب تقویت اندیشه مذهبی نوجوان خواننده یا شنونده خواهند شد.

۲-۳-۲. توجه به زیرداستان

در باره داستان دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: «داستان‌ها نگرش کودک را نسبت به زندگی و مشکلات گسترش می‌دهند. در واقع، کودک با همراهی و همدلی با شخصیت داستان، می‌آموزد که چگونه رفتار کند و با گرفتاری‌های مشابه در زندگی برخورد کند

و احساسات دیگران را به خوبی درک کند» (نورتون، ۱۳۸۲: ۸۹) و بیشتر پژوهشگران موافق هستند که در ابتدا، اصول اخلاقی کودک، به صورت بیرونی و توسط بزرگ‌ترها و به تدریج توسط معیارهای درونی خودشان کنترل می‌شوند و افراد پایبند، اصول اخلاقی و رفتار خوب و غم‌خواری را پرورش داده‌اند تا در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی از آن پیروی کنند (برک، ۱۳۸۷: ۴۵۸). مهارت‌های زندگی می‌توانند جسمانی (مثل وضعیت مناسب)، رفتاری (مثل ارتباط مؤثر) یا شناختی (مثل تصمیم‌گیری مؤثر) باشد (دانش و دنهو، ۱۹۹۵، نقل از نجفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). داستان‌های پژوهش حاضر، می‌توانند در زمینه مهارت رفتاری، عملکرد مثبتی داشته باشند. نمونه آموزش این مهارت به مخاطب نوجوان، رفتار امام رضا^(ع) در قصه «یک مرد بزرگ» است که در راه حجاز به نیشابور، با وجود خانه تاجران و ثروتمندان شهر، برای استراحت به خانه پیرزن فقیری به نام پسند، می‌رود و از وی دلجویی می‌کند:

امام از اسب خود پایین آمد و حال او را پرسید. پسند هرچه کرد، زبانش نچرخید تا جواب بدهد. دست به درگرفت و بریده و بغض‌دار گفت: «مهمان من باش ای امام مهربان!» امام تبسم کرد و گفت: «قبول است!» و همراه چند تن از یاران خود، پا به خانه گذاشت. پسند گلیم ساده‌ای را در کنار باغچه پهن کرد. امام به باغچه نگریست. به یکی از یارانش گفت: «آن نهال بادام را بیاور!» (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۱۱۳-۱۱۲).

۷/۶۹ درصد کل فراوانی ارزش‌ها و مهارت‌های اجتماعی مجموعه داستان ماه غریب من، به رعایت حقوق دیگران اختصاص دارد و قصه‌های نیازمرد خراسانی: ۵۵، مزد کارگر: ۶۳، یک مرد بزرگ: ۱۱۲ و بی‌گناه: ۱۳۶، ارزش اخلاقی دستگیری از زبردستان را به مخاطب نوجوان گوشزد می‌کنند.

۲-۴. انتقال مهارت‌های اجتماعی

فقدان یا حذف ارزش‌ها و مهارت‌های زندگی، فرد را نسبت به مشکل‌ها و آسیب‌های روانی اجتماعی مستعد و آسیب‌پذیر می‌کند. مهارت‌های اجتماعی که در پژوهش حاضر به صورت غیرمستقیم به نوجوان منتقل می‌شوند، عبارتند از:

۲-۴-۱. ارتباط موفق و مؤثر

درباره مهرت‌های بین فردی گفته شده:

«مهارت‌های بین فردی، مهارت‌هایی هستند که با هدف ایجاد و حفظ روابط بین افراد و تعامل مثبت با دیگران، به ویژه اعضای خانواده، در زندگی روزمره به کار گرفته می‌شود. همکاری و مشارکت، اعتماد به گروه، تشخیص مرزهای بین فردی مناسب، دوست‌یابی، شروع و خاتمه ارتباطات، مسئولیت‌پذیری در روابط متقابل و اجتماعی و تعامل و انتقاد، زیرمجموعه‌های این مهارت هستند» (طارمیان، ۱۳۸۳: ۷۸).

در قصه «آتش دوزخ»، تعامل مثبت امام با برادرش زید، سبب فروکش کردن هیجانات منفی و خشم وی شده است. این یک نمونه از برخورد موفق و مهارت بین فردی است که خواننده نوجوان برای ارتباط موفق با دیگران و نحوه فروکش کردن خشم طرف مقابل در ناخودآگاه خود برای موارد احتمالی، ثبت خواهد کرد:

پدر تازه از دنیا رفته بود و زید خیلی زود، همه سفارش‌های او را از یاد برده بود. چرا من امام نباشم؟ مگر من از رضا^ع چه کم دارم؟ ... جمعی پاسخ دادند: «آری، درست می‌گویی زید. ... امام رضا^ع به او لبخند زد. برای چندمین بار بود که او را به خود فرامی‌خواند و نصیحتش می‌کرد... امام خاموش ماند و ... چشم‌های زید برآمده و پیرالتهاب بود؛ ... خواست پرخاش کند که زبانش خشکید. فوری پاتند کرد و گریخت (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۶).

از مجموع کل قصه‌های ماه غریب من، ۱۳/۴۶ درصد، چگونگی ارتباط موفق با

مخاطب را به نوجوان خواننده یا شنونده داستان یاد می دهند.

۲-۱-۴-۱. سنجیده سخن گفتن

شخصیت درونی افراد بر پایه زبان مشخص می شود و در واقع، تا انسان سخن نگوید، میزان تبحر، سنجیده‌گویی و عیب و هنر وی معلوم نخواهد شد. «هرکسی را گریبان خود باید گرفت اندر حال نطق و سکوت؛ اگر کلامش بحق بود، گفتارش بهتر از خاموشی و اگر باطل بود، خاموشی بهتر از گفتار» (هجویری، ۱۳۸۴: ۵۲۴). سخن سنجیده، گویا و معرف صاحب سخن است. امام در ماجرای حکایت «امر خلافت» با تمثیل و سنجیده سخن گفتن و پرهیز از خشم و هیاهو، صوفیان ژنده‌پوش را به پیام اسلام، مبنی بر نفی دنیاگریزی پیشوا فراخوانده است. نوجوان خواننده یا شنونده داستان نیز به کارکرد زبان و سخن سنجیده امام رضا^(ع) در ارتباطات پی می برد و نتیجه همراهی را در ارتباط همراه با احترام طرف مقابل خواهد دید؛ زیرا سنجیده‌گویی در ارتباط موفق، مؤثر و موجب پذیرش استدلال و سخن گوینده می شود:

«غلامان طبق‌های میوه را در میان آن‌ها گرفتند و تعارف کردند. مردان صوفی اول اکراه داشتند؛ اما بعد مشغول خوردن شدند. لباس‌های آنان کهنه و سر و مویشان ژولیده بود ... امام هم میوه خورد. بزرگ صوفیان که روبه‌رویش نشستند بود، گفت: «... اکنون امت ما به پیشوا و رهبری نیازمند است که جامه‌اش خشن و طعمش ساده باشد. بر الاغ سوار شود و به عیادت بیماران برود!» امام، کمر از پشتی ساده خود گرفت، راست نشست و گفت: «آیا جز این است که از امام، قسط و عدل خواسته می شود؟ ... یوسف^(ع) منصب پیامبری داشت. قبای ابریشمی با تکه‌های زر می پوشید و در مجلس فرعونیان بر پشتی‌های آنان تکیه می زد ... «بگوای پیامبر، چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده، حرام و روزی‌های حلال و پاکیزه را منع کرده است؟ (اعراف: ۳۲)» ... بزرگ صوفیان بر جای خود نشست و خاموش شد» (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۱۳۷).

قصه‌های آتش دوزخ: ۳۸-۳۷، بیعت: ۴۰، برق دشنه‌ها: ۴۴، بزنی! تو بمان: ۵۲، امر خلافت: ۱۳۷، دوستی با شیعیان: ۱۷۵، توانایی شنونده یا خواننده نوجوان را در سنجیده‌گویی، تعامل با افراد و ارتباط موفق و مؤثر افزایش می‌دهند.

۲-۱-۴-۲. همدلی و مهربانی

همدلی و مهربانی برخاسته از ذات فرد است؛ اما برای رشد متعالی، نیازمند آموزش است. «ابزار مناسب همدلی نیاز به مهارت‌های اجتماعی دارد» (هانتر، فیگوئردو، بکر و مالمود، ۲۰۰۷، نقل از بشارت و همکاران، ۱۳۹۰: ۸). داستان‌های دینی می‌توانند در زمینه آموزش مهارت اخلاقی و اجتماعی، همدلی و همدردی، نقشی اساسی ایفا کنند و از طریق شخصیت‌های داستان، فرق بین رفتار همدلی با بیگانگی را به نوجوان آموزش دهند و به صورت غیرمستقیم، یادگیری عاطفی و درک اجتماعی نوجوان را تسهیل بخشند. مشغله اخلاق در نهایت مشغله حقوق نیست؛ بلکه مشغله اخلاق این است که بکوشیم خیرهای پرورش‌دهنده مانند شفقت و همدلی را به منصف ظهور درآوریم که غایت آن، بخشیدن سیمای بهتر به جهان است (هولمز، ۱۳۸۵: ۴۵۲).

اهمیت توجه به نیازها و حیطه‌های تکاملی عاطفی و شناختی همپای نیازهای دانشی، به این دلیل است که قدرت تفکر نوجوان به درستی شکل بگیرد تا عاجزی و درماندگی در بحران ناکامی‌های زندگی را در زندگی آینده او به دنبال نداشته باشد. رفتار امام رضا^(ع)، تسهیل‌کننده فرایند یادگیری نوعی از ارتباط مؤثر است؛ زیرا «الگوهای پاک و بافضیلت، انگیزه و میل به پاکی و آراستگی به فضایل را در جوامع ایجاد می‌کنند؛ چنان‌که هر هنری که استادی داشته باشد، جان شاگردش به آن هنر متصف می‌شود» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۴۷). ماجرای دستگیری نیازمندان، در قصه «برق دشنه‌ها»، مهارت اخلاقی همدلی و همدردی با دیگران را در مخاطب نوجوان نهادینه می‌کند. از طرف دیگر، قوت قلبی نیز به وی خواهد داد که درهای حکمت و

مهربانی خداوند به وسیله خیرین و انسان‌های خدایی باز خواهد شد:

امام رضا^(ع) با خوش رویی حالش را پرسید. غفاری خجالت می‌کشید خواسته خود را بگوید؛ اما تبسم پرمهر امام، پرده شرم از دل او کنار زد. فدایت شوم! طیس از من طلبی دارد و در دریافت آن پافشاری می‌کند؛ آن قدر که مرا رسوای مردم کرده! چهره امام^(ع) غمگین شد... امام به غلامش گفت غذا بیاورد. غفاری به خاطر فکرکردن به طیس، گرسنگی را از یاد برده بود... بعد از غذا، وقتی غلام سینی را برداشت و به مطبخ رفت، امام گفت: «آن تشک را بلند کن و هرچه هست برای خودت بردار» (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۴۷).

گفته شده: «همدلی دو جزء دارد: یکی شناختی و دیگری عاطفی. شناختی عبارت است از: توانایی در شناسایی حالات دیگران و عاطفی نیز، توانایی نشان دادن پاسخ عاطفی مناسب است» (امامی، ۱۳۸۳: ۳۴). فایده قصه درمانی، درونی کردن این آموزه‌ها است. چنانچه همدلی به کمک الگوی صحیح آموزش داده نشود، رفتار ناهنجار و فاصله‌گرفتن از دیگران افزایش می‌یابد. رفتار همدلانه امام، در قصه «سلاح»، اهمیت توجه به دیگران را بدون در نظر گرفتن پایگاه و رنگ پوست، تبیین می‌کند و نمونه‌ای از همدلی عاطفی است که سبب نزدیکی افراد به همدیگر می‌شود:

«وقتی غلامان سفره غذا را پهن کردند، غلامان سفید و سیاه بر سر سفره خود نشستند. رجاء و مأموران، دورتر سفره‌ای دیگر انداختند. امام سر سفره غلامان رفت. غلام‌ها خوشحال شدند و به احترام به او نگرستند. رجاء که از دور امام را می‌دید، فوری چشم از او گرفت و برای آرامش خود، دیگران را به سخن‌گفتن واداشت. بر سر سفره غلامان، عبدالله بن صلت بلخی هم نشست. او که با چشم‌های پرتعجب به غلامان می‌نگریست، برخاست و بالای سر امام ایستاد و گفت: "فدایت شوم! کاش برای این‌ها سفره‌ای جداگانه انداخته می‌شد!" امام برآشفت. تحمل شنیدن سخن بلخی برایش سخت بود؛ پس بالحنی مهرآمیز، اما جدی پاسخ داد: "پروردگار ما یکی است. پدر و مادر ما هم یکی است و پاداش هرکس هم به کردار

اوست. "چند غلامی که صدای امام را شنیدند، خوشحال شدند" (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۹۲).

قصه‌های کتاب ماه غریب من، می‌توانند به صورت غیرمستقیم مؤلفه همدلی و مهربانی را به مخاطب نوجوان یاد دهند و به کمک الگوبرداری از رفتار امام رضا^(ع) با اطرافیان، آموزه‌های اخلاقی را در وی نهادینه سازند. حجم فراوانی این مؤلفه، ۱۱/۵۳، است. قصه‌های مقام این کودک: ۲۲، نیاز مرد خراسانی: ۵۶-۵۵، برق دشنه‌ها: ۴۶-۴۵، سلاح: ۹۲ و داروی نایاب: ۹۷، آموزه‌های همدلی و شفقت را در خواننده یا شنونده نوجوان تقویت می‌کنند.

۲-۴-۲. تفکر انتقادی

پرورش تفکر انتقادی، کودک و نوجوان را به انعطاف نظری و تغییر در نگرش خود فرامی‌خواند و امکان پرسشگری از خود و دیگران را برای وی مهیا می‌کند. در مهارت تفکر انتقادی، کودک و نوجوان به جست‌وجو در پیامد داستان و حتی آشفتگی حوادث می‌پردازد و ضمن درک و فهم مسئله پیش رو، رخداد داستان و اعمال مربوط به شخصیت‌ها را بررسی می‌کند. همچنین به کمک منطق در مورد اعمال رخ داده، قضاوت می‌کند و به داوری درست می‌نشیند. «آنچه موجب شکل‌گیری تفکر انتقادی در افراد می‌شود، فرایند اصلاح ساختارهای فکری پیشین و ایجاد ساختارهای جدید است. به نحوی که آموزش تفکر انتقادی را شامل شود» (مایزر، ۱۳۷۴: ۲۱). تفکر زبان ذهن است و تفکر انتقادی، به انسان امکان تجزیه و تحلیل، استنباط، ارزیابی و نتیجه‌گیری را می‌دهد. با استفاده از تفکر انتقادی، امکان تصمیم‌گیری مستدل فراهم می‌شود (قیاسی، ۱۳۹۰: ۵). تفکر انتقادی «اتخاذ دیدگاه هوشیارانه و با دقت و ظرافت در برابر عقاید و دیدگاه‌های دیگران است» (کاهو، ۱۳۹۱: ۴۳). موحدزاده آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی را به واسطه این دلایل مهم و ضروری می‌داند:

۱. کمک به یادگیری؛ ۲. کمک به نوآوری؛ ۳. آماده‌سازی افراد برای زندگی اجتماعی

و شخصی؛ ۴. توانمندسازی افراد در مباحث کلامی و شناختی؛ ۵. بالابردن توانایی پیش‌بینی و پردازش اطلاعات؛ ۶. منسوخ‌شدن اطلاعات با سرعت بالا؛ ۷. در دسترس نبودن بعضی اطلاعات و دست‌کاری آن‌ها توسط دیگران؛ ۸. تغییرات سریع اجتماعی» (موحدزاده، ۱۳۹۳: ۴۱).

در حکایت «شریک در عبادت»، امام رضا^(ع) در هنگام وضو، حسن و شاء را از ریختن آب روی دستش منع می‌کند و برای ناراحت نشدن وی، به آیه‌ای متوسل می‌شود. این یک نمونه از تفکر انتقادی است که حس داوری و حساسیت به متن را در ذهن مخاطب نوجوان روشن نگه می‌دارد. خواننده یا شنونده نوجوان، دلایل این رفتار امام را با ظرافت می‌کاود و به شیوه غیرمستقیم، مهارت‌های شناختی، توانایی پرسشگری، ارزیابی استدلال و تحلیل مفاهیم در ذهن وی گسترش می‌یابد و به آموزش مهارت متکی نبودن و اسباب زحمت دیگران نشدن، حتی در اعمال عبادی، پی می‌برد:

دید امام آستین‌هایش را بالا زد؛ ... حسن معطل نکرده و با خوشحالی جلوتر رفت و سلام کرد و ظرف آب را برداشت. امام نیز با خوش‌رویی سلام او را جواب داد و ظرف آب را برداشت ... امام مهربانانه نگاهش کرد؛ طوری که نرنجد. بعد با عطفوت ظرف را گرفت. حسن یکه خورد ... آیا این سخن خداوند را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «کسی که امید لقای پروردگارش را دارد، نباید کسی را در عبادت خداوند شریک سازد؟» (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۷۰-۶۹).

در باره پرسش گفته شده:

«پرسش به عنوان یک مهارت در تمامی سطوح تعامل اجتماع مورد نیاز است. کودکانی که محیط جدیدی را کشف می‌کنند، خودبه‌خود، پرسش‌هایی به ذهنشان خطور می‌کند و برای پرسش‌های روزافزون خود مدام به دنبال پاسخ می‌گردند. در این مرحله، کودکان سعی می‌کنند برای معنا کردن اشیای اطراف خود، اطلاعاتی کسب کنند. پس، مهارت پرسش کردن از همان بدو امر اهمیت می‌یابد (هارجی، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

در قصه «ولایتعهدی»، گفت‌وگوی بین امام و مأمون به معنای واقعی برانگیختن مخاطب و تحریک وی برای شنیدن نیست؛ بلکه نویسنده به شیوه تفکر انتقادی و حساسیت به متن، خواننده یا شنونده نوجوان را ترغیب می‌کند که تفکر کند و به جای کسب معلومات، به کشف مجهولات بپردازد و جو حاکم بر رخداد را داوری کند و دلیلی که امام ولیعهدی مأمون را می‌پذیرد، نه رضایت قلبی وی، بلکه اجبار و توسل به خشم مأمون بداند:

«روزها گذشت و اصرارهای مأمون چند بار دیگر تکرار شد؛ اما امام نپذیرفت و قبای خلافت را بر تن او ارزانی داشت. سرانجام یک روز مأمون به نیرنگی تازه، امام را به قصر فراخواند و گفت: "اکنون که مقام خلافت را نمی‌پذیری، پس ولیعهد من باش تا پس از من، زمام امور مسلمانان را به دست گیری." چهره امام غرق در غمی بزرگ و تازه شد. راه گریز نبود. مأمون رودررویش ایستاده بود و حرارت نگاهش زیاد بود. لب‌هایش می‌لرزید و نبض شقیقه‌هایش تند می‌زد. دل امام به درد آمد. صدایش گرفته و حزن‌آلود شد» (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۱۲۳).

ترغیب به داوری و قضاوت و به دنبال آن، خوداصلاحی مخاطب نوجوان در حجم قابل توجهی از قصه‌های مجموعه ماه غریب من نشان داده شده است. ۱۷/۳۰ درصد از حجم کل فراوانی قصه‌ها، مهارت‌های تفکر انتقادی را به نوجوان می‌آموزند. قصه‌های بزنطی! تو بمان: ۵۱، شریک در عبادت: ۷۰-۶۹، دانه‌های خرما: ۹۵، قافله در نیشابور: ۱۰۳، امر خلافت: ۱۳۹-۱۳۸، وضوی نادرست: ۱۴۵، دعا برای ثروت: ۱۵۱-۱۵۰، قصه ولایتعهدی: ۱۲۵-۱۲۴، نماز شکسته، نماز تمام: ۱۷۸-۱۷۷ و غروب آفتاب هشتم: ۱۸۸، ساختار فکری نوجوان را براساس قضاوت و داوری، شکل می‌دهند.

۲-۴-۳. حل مسئله

یادگیری آموزش حل مسئله، شرایطی را برای نوجوان فراهم می‌کند که در شرایط دشوار

بهترین راهکار را بدون اینکه مشکل آفرین و خطرناک باشد، دنبال کند و در بحران و ارتباطات اجتماعی با پاسخ‌ها و عملکرد درست در جهت پیشبرد مشکل، گام بردارد. فایده‌ی یادگیری حل مسئله در رخدادهای داستان، توانمندسازی ذهن و توان یافتن راه‌حل‌های متعدد حل مسئله است. «حل مسئله راه مهمی برای شناخت هرچه بهتر خود، برقراری ارتباط مؤثر بین فردی، کنترل هیجانات و مدیریت شرایط تنش‌زا و حل کردن مسائل و مشکلات است» (ماروسکا، ۱۳۸۳: ۸۸). رفتار امام در قصه «غم امام»، مخاطب نوجوان را ترغیب می‌کند که برای مدیریت شرایط تنش‌زا و ارتباط مؤثر، برای گفت‌وگوها و اعمال بین فردی، به بهترین نحو تفکر کند و براساس تفکر خلاق، به حل مسئله بپردازد تا اقتناع طرف مقابل را به دنبال داشته باشد. پاسخ سنجیده امام به سوالات محمد بن عرفه، گویای این نوع از برقراری مهارت اجتماعی نیکو است:

«به امام نگریست. چهره‌اش غم‌آلود و پرضعف بود. پرسید: "ای پسر رسول خدا، چه چیزی شما را وادار کرد ولایتعهدی را بپذیرید؟" امام خسته نگاهش کرد و پرسید: "چه چیز جدم امیرالمؤمنین را وادار کرد در شورا درآید؟" مرد همراه ابن عرفه بالحنی که کمی تند بود، گفت: "چرا آن را از مأمون پذیرفتید؟" امام پرسید: "ای مرد، پیامبر برتر است یا وصی او؟" او گفت: "پیامبر." امام پرسید: "مسلمان برتر است یا مشرک؟" او گفت: "مسلمان." امام سخنان خود را بالحنی آرام‌تر بیان کرد. عزیز مصر مشرک و یوسف^(ع) پیامبر بود. مأمون مسلمان و من وصی پیامبرم. یوسف از عزیز مصر درخواست کرد که او را والی و حاکم کند. چنان‌که در قرآن است: "قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ اِنِّي خَفِيضٌ عَلَيْهِمْ." درحالی‌که من بر این کار مجبور شدم. مرد که خجالت زده بود، ساکت ماند. ابن عرفه هم چیزی نگفت» (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۱۲۸-۱۲۷).

در مجموعه ماه غریب من، قصه ولایتعهدی: ۱۲۳-۱۲۲، غم امام: ۱۲۸-۱۲۷ و دوستی با علی^(ع): ۱۷۹، این مهارت را آموزش می‌دهند.

۲-۴-۴. خودآگاهی

خودآگاهی یکی از مهارت‌هایی است که نمود آن در ذهن انسان، در کودکی و نوجوانی نهادینه می‌شود. ممکن است بسیاری از رفتارهای نادرست با تقلید از رفتار دیگران و رسانه‌هایی باشد که مشوق کودکان به این رفتارهاست. چنانچه نوجوان به آگاهی برسد، اعمال خود را مدیریت می‌کند و از نابسامانی رفتار جلوگیری می‌کند. قصه می‌تواند در خودآگاهی و بیداری نوجوان سهم داشته باشد؛ زیرا خواننده با شخصیت مثبت داستان هماهنگ و همسو می‌شود. نهایت این همسویی، تغییر بهینه در رفتار و آگاهی از سرانجام رفتار ناپسند است. در قصه «همنشین»، امام رضا^(ع) به کمک یک نمونه تمثیل، شاگردش، داوود بن قاسم را از همنشینی با دایی‌اش که انسانی ناپاک است، برحذر می‌دارد. مخاطب نوجوان به کمک پیرنگ این داستان، متوجه رفتار درست و کسب آگاهی برای انتخاب درست هم‌نشین می‌شود؛ چون بسیاری از دوستی‌های نادرست نوجوان بر پایه ناآگاهی نهاده شده است:

«فکری به خاطرش رسید. خودش را جمع کرد و گفت: "اما او هر عقیده‌ای که دارد، بر من چه آسیبی می‌رساند؟ ... " حالا لحن کلام امام جدی‌تر شد. گویی لازم بود که درسی دوباره به شاگردش بدهد. آیا نمی‌ترسی که بلایی به او برسد و تو نیز به آن بلا بسوزی؟ آیا از این داستان آگاه نیستی که مردی از یاران موسی^(ع) بود؛ اما پدرش از یاران فرعون به شمار می‌آمد؟ هنگامی که سپاه فرعون به سپاه موسی رسید، آن مرد نزد پدرش رفت تا او را موعظه کند... ناگاه بلای غرق شدن فرعونیان فرارسید و آن پسر، همراه پدر خود غرق شد... داوود مصمم شد که به گفته امام عمل کند» (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۶۵-۶۴).

شناخت خود و آگاهی از ارزش‌های مثبت، اساس یک زندگی درست و بهنجار است. بسیاری از کارهای نادرست، در اثر ناآگاهی از خود و جهان پیرامون رخ می‌دهد. از مجموع قصه‌های مجموعه ماه غریب من، قصه‌های همنشین: ۶۵-۶۴ و راز مهم:

۱۳۳-۱۳۱ مخاطب نوجوان را در کسب مهارت خودآگاهی همراهی می‌کنند. حجم این شگرد و شیوه، ۳/۸۴ درصد است.

۲-۴-۵. تصمیم‌گیری درست

درباره مهارت اجتماعی باید دانست: «مهارت اجتماعی مناسب، تقویت اجتماعی مناسبی (از جمله عدم بروز خشونت و...) را به دنبال دارد» (مایکلسون و همکاران، ۱۹۸۳، نقل از ممیزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴). هدف، تربیت نوجوانانی است که در پیچ‌وخم زندگی ماشینی بتوانند بر اساس استدلال منطقی و با در نظر گرفتن جوانب مختلف امور، تصمیم درستی بگیرند؛ «تصمیم‌گیری انتخاب یک راه از میان راه‌های گوناگون زندگی است» (طارمیان، ۱۳۸۳: ۶۶). تصمیم‌گیری درست در بحران، مهارتی است که در ضمن خودآگاهی رخ می‌دهد. خودآگاهی سبب تحمل فشار روانی ناشی از تصمیم بر سر دو راهی است. نوجوان در اجتماعی زندگی می‌کند که همه امور آن به پایان خوب منتهی نمی‌شوند؛ ولی آنچه اهمیت دارد، این است که داستان بتواند قدرت تصمیم‌گیری درست را در نوجوان فعال کند. آیا یک داستان رضوی، می‌تواند در تقویت این مهارت در نوجوان امروز سهمی داشته باشد؟ در قصه «نماز عید»، زمانی که مأمون از امام درخواست اقامه نماز عید کرد، امام با بهترین راهکار که باید نماز به شیوه جدم رسول خدا^(ص) اقامه شود، درخواست را پذیرفت و راهی مصلحت‌آمیز؛ اما مأمون از سیل جمعیت و اشتیاق مردم ترسید و به توطئه‌ای دیگر متوسل شد و دستور داد تا نماز اقامه نشود. امام این فرمان را نیز با تصمیم درست، پذیرفت که نتیجه آن، فروکش کردن خشم خلیفه و افزون شدن ارادت بر امام و اهل بیت^(ع) نزد مردم شد:

«وقتی مأمون اصرار کرده بود که حضرت نماز عید فطر را اقامه کند، امام نپذیرفته بود. او نیز دست از اصرار برنداشته و هر بار گفته بود: "باید شخص شما نماز عید را اقامه کند." اگر قرار است من نماز بخوانم، بدان که من به روش پیامبر^(ص) و امیر مؤمنان نماز می‌خوانم... مأمون به توطئه فکر می‌کرد؛ توطئه تحقیر امام و نیامدن مردم؛ اما هر لحظه بر جمعیت انبوه شهر

افزوده می‌شد. فشار جمعیت از هر طرف بیشتر می‌شد... به دل مأمون هراس افتاد. فوری به فرستادهٔ مخصوص خود فرمان داد: "خیلی زود با ادب و احترام به نزد ابوالحسن برو و بگو نماز نخواند" ... فرستاده دل جمعیت را شکافت و نزد امام رفت. سپس فرمان مأمون را به امام گفت. "ای پسر عمو! ما تو را زحمت دادیم و دیگر نمی‌خواهیم سختی بیشتری به تو تحمیل شود. لطف بفرما و بازگرد. لازم است که همان پیش‌نماز قبلی نماز را اقامه کند." امام ایستاد. بی‌آنکه مخالفتی از خود نشان بدهد، کفش‌هایش را پوشید. دهان مردم از تعجب باز ماند. امام بی‌معطلی بر اسب خود نشست و به سمت خانه بازگشت... جمع زیادی به دنبال اسب امام دویدند. صف‌های نماز به هم ریخت» (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۱۷۴-۱۷۳).

از مجموع قصه‌های کتاب ماه غریب من، قصهٔ ولایتعهدی: ۱۲۳، نماز عید: ۱۷۴-۱۷۳ و قتل وزیر: ۱۸۵-۱۸۴، چگونگی ارزیابی یک تصمیم‌گیری همه‌جانبه را به نوجوان یاد می‌دهند. حجم کل فراوانی مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری درست، ۵/۷۶ درصد است.

۲-۴-۶. تفکر خلاق

خلاقیت عبارت از درخشش یک اندیشه و به‌وجود آمدن نظر و ایده‌های نو است. از نظر معنایی، خلاقیت بیشتر در جنبه‌های فکری و نظری یا به اصطلاح، در فعالیت‌های ذهنی مطرح است (پیرخایفی، ۱۳۸۷: ۶۲). «توانایی تفکر خلاق، مهارتی سازنده و اصولی برای رسیدن به دیگر مهارت‌های مرتبط با اندیشیدن است. در این مهارت افراد می‌آموزند چگونه به شیوه‌های متفاوت بیندیشند و از تجربه‌های متعارف و معمولی خویش فراتر رفته و راه‌حل‌هایی ویژه بیافرینند» (شاه‌احمدی، ۱۳۹۰: ۲۰). این توانایی (تفکر خلاق) به طور بالقوه و فطری در انسان به ودیعه نهاده شده؛ اما ظهور آن مستلزم پرورش است (بیدی و رنجبرزاده، ۱۳۹۲، نقل از کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲). در قصهٔ «اندازهٔ جوانمردی»، برخورد امام با مردی که می‌خواست از وی پولی بگیرد، گویای نوعی راه‌حل تازه برای برخورد با خواهندهٔ بی‌شرم و گداصفت، بدون لطمه به نام جوانمردی امام است:

«مرد بی آنکه خجالت بکشد، سینه اش را جلو داد و گفت: "به اندازه جوانمردی ات به من پولی ببخش ای رسول خدا!" ... امام گفت: "این را نمی توانم." ... "پس به اندازه جوانمردی من." امام دوباره خندید: "قبول است." ... دویست دینار به او بده... ابروهای خالی غلام بالا رفت و دهانش نیمه باز ماند. آهسته پرسید: "دویست دینار؟" (ملا محمدی، ۱۳۹۷: ۶۷).

در مجموعه ماه غریب من، درخشش فکر نو در رفتار امام رضا^(ع)، در قصه های منم، معروف: ۷۳-۷۲، سلاح: ۹۱ و اندازه جوانمردی: ۶۷-۶۶ نشان داده شده و ۵/۷۶ درصد کل فراوانی را به خود اختصاص داده است. این شگردهای راستین، می توانند در آموزش مهارت خلافت به نوجوان سودمند باشند.

۳. نتیجه گیری

مجید ملامحمدی نویسنده مجموعه داستان ماه غریب من، از نویسندگان حوزه ادبیات دینی کودک و نوجوان است و در زمینه بازنویسی داستان ها و حکایت های رضوی، دستی توانا دارد؛ چنان که قابلیت ها و بسندگی های آموزش ارزش های اخلاقی و مهارت های زندگی بر پایه توسل به اخلاق، سلوک و سیمای امام رضا^(ع)، در مجموعه داستان ماه غریب من از وی وجود دارد. مقصود اصلی ملامحمدی از قصه گویی در این مجموعه داستان، موعظه و عبرت آموزی بوده که از شیوه داستان پردازی برای رشد و تقویت ایمان مذهبی، تفکر انتقادی و چگونگی ارتباط اجتماعی نوجوان بهره گرفته است. حاصل این پژوهش نشان می دهد که سلوک و سیمای امام رضا^(ع) الگویی ارزنده در بافت قصه ها با هدف تقویت بنیه مذهبی نوجوان است که فراوانی بهره گیری از آن، بیشترین سهم را در تقویت ارزش های اخلاقی و مهارت زندگی نشان می دهد و مهارت های تفکر انتقادی، چگونگی ارتباط موفق با مخاطب، همدلی و مهربانی، رعایت حقوق دیگران، تفکر خلاق، مهارت حل مسئله و تصمیم گیری و نیز آگاهی اجتماعی، به ترتیب این یافتارها را می سازند و مهارت آموزی نوجوان شنونده یا خواننده را در کانون نگاه خویش

دارند. از میان قصه‌های این مجموعه، قصه‌های راز مهم، ولایتعهدی، سلاح، بزنتی! تو بمان، نیاز مرد خراسانی، قافله در نیشابور و نماز عید، قابلیت انتقال ارزش‌های اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی را با هم دارند. جدول و نمودار ستونی زیر، قصه‌های حاوی چند مؤلفه و درصد هریک از آن‌ها را در کل مجموعه، نشان می‌دهد. براساس نتایج فراوانی و درصدها، اثر داستان رضوی ماه غریب من، می‌تواند در آموزش ارزش‌های اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی به نوجوانان، سودمند باشد؛ به شرط آنکه فضا سازی متناسب با سن نوجوان در قصه‌ها گسترش یابد و تا حدودی از حالت روایت‌گونه خارج شود.

میزان بسامد قصه‌های حاوی چند مؤلفه از انتقال ارزش‌های اخلاقی و آموزش مهارت‌های اجتماعی در مجموعه ماه غریب من									
قصه	مؤلفه‌ها	اندیشه‌های مذهبی	توجه به زیرستان	ارتباط مؤثر	تفکر انتقادی	تصمیم‌گیری درست	حل مسئله	تفکر خلاق	تعداد
سلاح				*				*	۲
قصه ولایتعهدی					*	*	*		۴
بزنتی! تو بمان!			*	*					۲
نیاز مرد خراسانی		*		*					۲
قافله در نیشابور		*			*				۲
نماز عید		*				*	*		۳

فراوانی بسندگی انتقال ارزش‌های اخلاقی و مهارت‌های زندگی در داستان ماه غریب من



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱). فقه تربیتی (۱). قم: مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان.
۲. امامی، نسرین (۱۳۸۳). مهارت‌های زندگی. تهران: سازمان بهزیستی.
۳. بتلهایم، برونو (۱۳۸۱). افسون و افسانه‌ها. ترجمه اختر شریعت‌زاده. تهران: هرمس.
۴. بشارت، محمدعلی؛ خدابخش، محمدرضا؛ حجت‌الله فراهانی و سیدمحمدرضا رضازاده (۱۳۹۰). «نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی». فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، س ۵، ش ۲. صص ۲۳-۷.
۵. برک، لورا (۱۳۸۷). روان‌شناسی رشد از لقاح تا کودکی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
۶. پیرخایفی، علیرضا (۱۳۸۷). خلاقیت (مبانی و روش‌های پرورشی). تهران: هزارقنوس.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲). سیری در تربیت اسلامی. تهران: دریا.
۸. دیویی دبلیو، چمبرز (۱۳۶۶). قصه‌گویی و نمایش خلاق. ترجمه ثریا قزل‌ایاغ. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. زاده محمدی، علی و زهره احمدآبادی (۱۳۸۷). «هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان شهر تهران». فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۴، ش ۱۳. صص ۱۰۰-۸۷.
۱۰. شاه‌احمدی، محمدرضا (۱۳۹۰). «ضرورت و نقش آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان در رسانه». کودک، نوجوان و رسانه. ش ۱ و ۲. صص ۲۲-۱۵.
۱۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۴). ادبیات کودکان. تهران: اطلاعات.

۱۲. طارمیان، فرهاد (۱۳۸۳). مهارت‌های زندگی. تهران: تربیت.
۱۳. صاحبی، علی (۱۳۸۹). قصه درمانی: گستره تربیتی و درمانی تمثیل. تهران: ارجمند.
۱۴. قیاسی، میترا (۱۳۹۰). «تفکر انتقادی، کودک و رسانه». کودک، نوجوان و رسانه. س ۱، ش ۲. صص ۷۹ - ۵۵.
۱۵. کریمی، ناهید؛ داریوش مهرافزون و علیرضا جعفری (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی به روش قصه‌گویی بر مؤلفه‌های خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی». مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. س ۷، ش ۲. صص ۱۶۶ - ۱۴۹.
۱۶. کلینکه، ال کریس (۱۳۸۳). مهارت‌های زندگی. ترجمه شهرام محمدخانی. تهران: سپند هنر.
۱۷. گلشیری، احمد (۱۳۸۰). داستان و نقد داستان. ج ۱. تهران: نگاه.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
۱۹. کاوه، ذبیح‌الله (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر رضایت و سازگاری زنان متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
۲۰. ماروسکا، دان (۱۳۸۳). چگونه تصمیم‌های بزرگ بگیریم. ترجمه سید رضا افتخاری. مشهد: بامشاد.
۲۱. محمدزاده رومیانی، مهری (۱۳۸۶). «نقش‌گرایش‌های متعالی در کنترل رفتارهای پرخطر دوره جوانی». رشد مشاور مدرسه. دوره دوم. ش ۲. صص ۲۰ - ۱۶.
۲۲. مایزر، چت (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ایبلی. تهران: سمت.
۲۳. ملامحمدی، مجید (۱۳۹۷). ماه غریب من. مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

۲۴. ممیزی، فاطمه؛ سهراب عبدی‌زرین؛ مصطفی اقلیما و غنچه راهب (۱۳۹۰). «مهارت‌های اجتماعی: نقش آن در پیشگیری از مورد آزار قرار گرفتن نوجوانان». طلوع بهداشت. فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده بهداشت یزد. س ۱۰. ش ۱. صص ۱۰۸-۹۶.
۲۵. موحدزاده، بهرام (۱۳۹۳). تأثیر آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی بر خلاقیت، خودکارآمدی تحصیلی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر بهبهان. رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی. گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲۶. نجفی، محمود؛ ایمان‌الله بیگدلی؛ غلامرضا دهشیری؛ اسحاق رحیمیان بوگر و موسی طباطبایی (۱۳۹۱). «نقش مهارت‌های زندگی در پیش‌بینی سلامت روان دانش‌آموزان». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. س ۳. ش ۱۱. صص ۱۱۶-۱۰۱.
۲۷. نورتون، دونا و ساندرانورتون (۱۳۸۲). شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک. ترجمه منصوره راعی و همکاران. تهران: قلمرو.
۲۸. هارجی، اون؛ کریستین ساندرز و دیوید ویکسون (۱۳۸۴). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. چ ۳. تهران: رشد.
۲۹. هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۸۴). کشف‌المحجوب. به تصحیح محمود عابدی. تهران: سروش.
۳۰. هولمز، رابرت ال (۱۳۸۵). مبانی فلسفه اخلاق. ترجمه مسعود علیا. تهران: افق.